

تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس

دکتر محسن رضائی

بنابر این دفاع مقدس یک حادثه، یک پدیده و یک مقوله‌ای است که اکثر اقشار جامعه ما، از دانشمندان و علما و عرفا گرفته تا مردم عادی و کوچه خیابان‌های کشور ما می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، اما این پدیده حتی در دوران خودش نتوانست همه پیام‌های خودش را به جامعه منتقل بکند چه در دوران‌های بعد از جنگ که آن بخش‌هایی هم که در دوران خودش منتقل می‌شد منتقل نمی‌شود، بنابراین سؤال اصلی این است که چگونه می‌شود که یک پدیده‌ای که حتی در زمان وقوعش نتوانست همه پیام‌های خودش را به جامعه منتقل کند، اکنون بتواند پیام‌های خود را به جامعه منتقل کند؟

این کار راه کارهای مختلفی دارد که یکی از آن راه کارها تحقیق و پژوهش است. تحقیق و پژوهش در دوران دفاع مقدس، حفر کردن یک کانال یا یک جویباری است که این آب چشمه حیات عرفان و معنویت دوران مقدس را در جان و روح جوانان این کشور ساری و جاری می‌کند و بسیاری از معارف دفاع مقدس را به صحنه فهم و درک فعلی جامعه منتقل می‌کند.

تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس یکی از آن راه کارهایی است که می‌تواند دفاع مقدس را به عنوان یکی از عنصرهای تأثیرگذار مستمر در تاریخ ما در بیاورد.

تحقیق و پژوهش در حوزه دفاع مقدس در دوران نزدیک به دفاع مقدس اهمیتی دارد که در اعصار بعدی یک چنین اهمیتی ندارد. مهم‌ترین نکته تحقیق و پژوهش در سال‌هایی که من و شما زندگی می‌کنیم این است که در نزدیکی من و شما آثار زیادی از این دفاع مقدس وجود دارد که می‌تواند به عنوان مستندات دفاع مقدس مورد تحقیق و پژوهش شما قرار بگیرد در حالی که محققین دوران بعد،

اشاره:

متن حاضر سخنرانی دکتر محسن رضایی است که در دومین همایش بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان «تحقیق و پژوهش در دفاع مقدس» بیان شده است. با توجه به موضوع محوری در این شماره از فصلنامه برای چاپ سخنرانی اقدام شد. متن حاضر از سوی معاونت پژوهش بنیاد در اختیار فصلنامه قرار داده شد. بدینوسیله مراتب سپاس و تشکر خود را اعلام می‌داریم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «حَسْبُنَا اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِیْلُ نِعْمَ الْمَوْلَا وَ نِعْمَ النَّصِیْرُ» .

دفاع مقدس پدیده‌ای است که برای اغلب اقشار جامعه دارای پیام و مطالبی است. کمتر حادثه‌ای را ما سراغ داریم که اکثریت اقشار جامعه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در بسیاری از جنگ‌ها عمدتاً نظامیان یا هنرمندان یا حداکثر صنعت‌گران آن‌هم بدلیل بعد صنایع دفاعی و پیشرفت‌های فنی از آن حادثه بهره می‌گیرند، اما دفاع مقدس ما که ظاهراً یک موضوع نظامیست، تقریباً تمام اقشار جامعه ما را مورد خطاب خودش قرار داده و امروز برای اکثر این اقشار دارای پیام است.

کمتر جنگی را ما سراغ داریم که عرفا از آن استفاده کنند، اما دفاع مقدس ما حتی برای عرفا هم دارای پیام است و بسیاری از عرفا بوده‌اند که اوج عرفان خودشان را در صحنه نبرد می‌دیدند و کم نبودند این عرفایی که چه در صحنه جنگ چه در بیرون از صحنه جنگ آرزوی شهادت و حضور می‌کردند و نگاه و نظرشان از جنگ بر نمی‌گشت.

**دفاع مقدس پدیده‌ای است که برای اغلب
اقشار جامعه دارای پیام و مطالبی است.
کمتر حادثه‌ای را ما سراغ داریم که اکثریت
اقشار جامعه بتوانند از آن بهره‌مند شوند.**

ملی است. حضرت امام می‌فرماید: «ما خودمان را در انقلاب یافتیم». درحقیقت مهمترین دستاورد ما در جنگ این بود که روی پای خودمان ایستادیم و با وجود اینکه برای اولین بار ابرقدرت شرق و غرب دست در دست هم گذاشته بودند تا یک ملت را به زانو دریاورند، این ملت ثابت کرد که شکست ناپذیر است. این یعنی هویت ملی و به بهترین شکل هم این هویت نمود پیدا کرد. هم بعد اسلامی ملت ما و هم بعد ایرانی‌ت ما در دوران دفاع مقدس و دفاع از ایران اسلامی جلوه پیدا کرد.

یکی از روزها من در قرارگاه بودم دوستان حراست به من گفتند که در جلو دژبان اهواز یک نفر را متوقف کرده‌اند که با یک سرو وضع خاصی بوده و به او مشکوک شده‌اند. گفتم مگر چه وضعیتی داشته؟ گفتند یک نفر آمده با کت و شلوار و کراوات و یک وضع اروپایی کامل با یک ماشین آخرین سیستم آمده و می‌گوید که من می‌خواهم بروم خرمشهر، هرچی که ما به او می‌گوییم که در آنجا توپ می‌زند، آتش هست، می‌گوید که نه من می‌خواهم خرمشهر را ببینم، شک کردیم که این نکند که جاسوس باشد، من به دوستان گفتم که اگر جاسوس بود که با کراوات نمی‌آمد خرمشهر، بگذارید که برود ایشان وقتی رفته بود و وارد خرمشهر شده بود آن قدر احساسی شده بود که ماشین را زده بود کنار و پیاده شده بود و زمین خرمشهر را بوسیده بود. بعد فریاد زده بود که اگر خمینی کسی است که خرمشهر را آزاد می‌کند من نوکر خمینی هستم، هویت ملی یعنی این. این حادثه یعنی هویت ملی. یک ایرانی که سال‌ها در غرب بوده می‌بیند که رزمندگان با پرچم الله اکبر و با شعار یا حسین، یا زهرا خرمشهر را آزاد کرده‌اند از آنجا بلند می‌شود می‌آید تا خرمشهر را ببیند و وقتی که از نزدیک می‌بیند که این حادثه درست بوده، احساس می‌کند که آن غرور و آن افتخار از دست رفته ۳۰ سال گذشته دوباره در جان و روح او دمیده شده است. احساس پرواز می‌کند آن فریادی که او می‌کشد پرواز هویتی است، یک احساس افتخار است، یک احساس عزت است. چرا یک عده‌ای می‌خواهند که حادثه دفاع مقدس را دفن بکنند؟ چون این از بمب اتم خطرناک‌تر است برای منطقه، حقیقتاً اگر ایرانی‌ها این هویت خودشان را باز بیابند به آنچنان قدرت و تمدنی در منطقه دست پیدا

فاقد چنین امکان و فرصتی هستند. محققى که ۳۰ سال دیگر می‌خواهد پژوهش بکند، شاید بسیاری از مستنداتى که امروز در اختیار شماست، نداشته باشد، مگر اینکه ما برای او فراهم کنیم، بنابراین محققین و پژوهشگران فعلی نه تنها برای جامعه، بلکه برای محققین آینده هم می‌توانند اثرگذار باشند، به تعبیر دیگر تحقیقات و پژوهش‌های شما دو نوع است: یکی بنیادی است و دیگری کاربردی است. یعنی آثار شما برای جامعه امروز نقش کاربردی دارد، اما بسیاری از آثار شما برای آینده هم نقش بنیادی دارد و هم نقش کاربردی. پژوهشگران اعصار بعد به رزمندگان، فرماندهان و پیشکسوتان دوران دفاع مقدس دیگر دسترسی ندارند، اما در دوران شما تمامی این آثار و مستندات عینی وجود دارد و شما می‌توانید آن‌ها را برای پژوهشگران نسل‌های بعدی مکتوب و ذخیره بکنید. به همین دلیل کار شما بسیار مهم است. بنابر این تحقیق و پژوهش پژوهشگران اولین نسل بعد از جنگ برای آینده بسیار لازم و مهم است، لذا امروز در بین پیشکسوتان جنگ، محققین جنگ و آثار باقیمانده از جنگ می‌شود یک ترکیبی درست کرد و یک مجموعه‌ای را بوجود آورد که بنیادهای معارف جنگ و زمینه‌های تحقیقاتی و پژوهشی آینده دوران دفاع مقدس را سازماندهی کنند.

از جمله این مسائل مهم، مسئله هویت ملی ما است که ما در جنگ و در انقلاب بعد از ۳۰ سال خودمان را پیدا کردیم، حقیقتاً اگر انقلاب و دوران دفاع مقدس نبود، ملت ما مهم‌ترین گمشده‌اش، خودش بود و بزرگترین کاری که ملت ایران انجام داد و بزرگترین دستاوردی که به آن رسید بازیافت هویت ملی خودش بود، از بعد از صفویه به این طرف ما نه ملت داشتیم و نه دولت. در اثر پیروزی انقلاب اسلامی بود که دوباره دولت و ملت در ایران شکل گرفت، اگر یک دولتی استقلال نداشته باشد چنین دولتی دولت نیست، چرا؟ چون مهم‌ترین عنصر یک دولت توان تصمیم‌گیری او است که بتواند تصمیم بگیرد، اگر دولتی نتواند مستقل تصمیم بگیرد مفهوم دولت را از دست می‌دهد، لذا بسیاری از دولت‌ها هستند که به مفهوم واقعی دولت ملی نیستند. دولت ملی، دولتی است که بتواند به نمایندگی از ملت خودش تصمیم بگیرد نه به نمایندگی از دشمنان ملت خودش. ملت هم همینطور، ملتی که نتواند نقش ملی را ایفا بکند، حضور ملی داشته باشد، حضور مستقلانه داشته باشد این یک ملت به زندان کشیده است یعنی قبل از انقلاب ملت ایران در زندان بود، امروز خود ملت ایران دارد تصمیم می‌گیرد. آگاهانه هم دارد تصمیم می‌گیرد.

بزرگترین دستاورد انقلاب و دفاع مقدس بازگشت ما به هویت

می کنند که منافع بسیاری از قدرت های خارجی از بین خواهد رفت. لذا از بازیابی این هویت ملی می ترسند و خطر آن را از بمب اتم هم بیشتر می دانند.

این هویت ملی است که جامعه را به حرکت درمی آورد و به انسان روح، انگیزه، جان، هدف و ارزش می بخشد، توانایی انسان ها را به ظهور می رساند، سرگستگی ها را کنار می زند، خوب یک چنین معجزه بزرگی در دفاع مقدس است، این با تحقیقات قابل احیاء است، یعنی می شود از دل دوران مقدس یک چنین جویباری را ساخت و شکل داد تا این آب حیات بخش ارزش ها، معنویت، اعتماد به نفس، تعقل و نوآوری را به نسل های بعدی منتقل کند و این گمشده اصلی بسیاری از جوانان، در دفاع مقدس است.

شما ببینید این کسانی که می روند و این صحنه ها و مناطق جنگی را می بینند با چند ساعت ماندن در شلمچه اینگونه دگرگون می شوند، خوب حال اگر او بداند که در شلمچه چه گذشته و چه ناملایماتی را رزمندگان کشیده اند، چه مشکلات و تنگناهایی داشته اند، او اصلاً یک آدمی می شود که برای همیشه تصمیم خودش را می گیرد.

آن صحنه های احساسی دفاع مقدس اگر کنار برود و جوان های ما وارد عمق و عقلانیت دفاع مقدس بشوند و دسترسی پیدا نکنند به پیام های عظیم عرفانی و اعتقادی و علمی و کارشناسی که در دل دفاع مقدس است، اگر وارد آن لایه های بعد از احساس بشوند جوان های ما انبوهی از پیام ها را می توانند برای خودشان ذخیره بکنند.

این محققین و مسئولین بنیادهای حفظ آثار دفاع مقدس هستند که باید این لایه های مختلف دفاع مقدس را یکی پس از دیگری کنار بزنند، به همین دلیل رسالت بسیار بزرگی بر عهده ما است که نگذاریم این اثر مهم و تاریخی از بین برود.

چند انحراف در کمین دفاع مقدس هست که باید به آنها توجه کرد، یکی از آنها تحریفات است، الان در سطح راویان، گویندگان و بعضاً نویسندگان دفاع مقدس یکسری تحریفات دارد شکل می گیرد و باید یک فکر جدی برای تحریف زدایی از دفاع مقدس نمود. حرف هایی در مورد روابط بین فرماندهان در دفاع مقدس گفته شده که بسیاری از اینها خلاف واقع است در رابطه با شهید همت حرف هایی من شنیده ام که بسیاری از آنها خلاف واقع بوده است که مثلاً بین ایشان و بین یکی از دوستان دیگر اختلافاتی بوده است. بین برادرمان صیاد شیرازی و بعضی دیگر از فرماندهان حرف و حدیث هایی بوده است. نسبت به اینکه مقام معظم رهبری در دوران

دفاع مقدس چیزهایی گفته اند. من در دو سال اخیر تحریفات زیادی را می شنوم که اصلاً در دوران دفاع مقدس وجود خارجی نداشته، یا بعضاً گفته می شود که بسیجی ها، یک عده از آنها داوطلبانه می آمدند و خودشان را روی سیم های خاردار می انداختند و روی میدان مین و دیگران پا را بر روی جسد آنها می گذاشتند و عبور می کردند. یک چنین چیزی دروغ است. بعضی ها برای اینکه اوج اشک مردم را بریزند، وقتی که خیلی گرم می شوند همانطور که نسبت به حضرت ابا عبد... تحریفات ساختند، بعضاً نسبت به دفاع مقدس هم یک چنین تحریفات درست می کنند، نمی خواهیم بگوییم که یک مورد استثنایی هم نبوده، اما چنین چیزهایی وجود خارجی نداشته، تحریفات یکی از خطرات جدی و یکی از آسیب های جدی است که تحقیق و پژوهش را تهدید می کند و شما پژوهشگران باید جلو کارها بایستید و همین الان هم باید جلو این مسائل را گرفت.

مسئله دومی که در تحقیق و پژوهش باید به آن توجه کرد ناقص گویی است. بعضی اوقات وقتی که تحقیق و پژوهش کاملی صورت نمی گیرد یک بخشی از حادثه بیان می شود، این بخش از حادثه خودش غلط نیست، اما تصویری که در ذهن خواننده و اگر فیلم باشد در بیننده بوجود می آورد این تصویر غیر واقعی است، آن تصور وجود ندارد. بنابراین ناقص گویی منجر به انحرافات در دوران مقدس می شود، موجب برداشت های غلط می شود در حالی که آن قطعه ای که گفته شده، خودش درست است، مثلاً ممکن است که یک خاطره ای به صورت ناقص گفته بشود، یعنی یک بخشی از خاطره گفته شده و بخش دیگرش گفته نشود، یا یک سندی از یک حادثه ای گفته بشود، اما سندهای دیگر آن گفته نشود، خوب وقتی که سندهای دیگر آن گفته نمی شود، آن سند اول برداشت غلط را القاء می کند، بنابراین برداشت های غلط هم در اثر ناقص گویی در دوران دفاع مقدس اکنون باب شده است.

توصیه آخر من این است که ما باید پژوهش جمعی را سازمان بدهیم، مثل خاطره گویی جمعی. مثلاً فرض کنیم در یک حادثه، عناصر اصلی مشارکت کننده در آن حادثه با هم خاطره بگویند، تک تک نگویند یا اینکه یک تحقیقی که صورت می گیرد به صورت گروهی انجام بشود، افراد مؤثر آن حادثه و آن مقطع تاریخی مورد پژوهش قرار بگیرند و در یک کتاب و در یک اثر اینها بیان بشود، نمونه هایی که صورت گرفته، نمونه های بسیار موفقی بوده است و شما می توانید به صورت عمومی این شیوه تحقیق را گسترش بدهید.

والسلام علیکم ورحمه... و برکاته